

# انعطاف‌پذیری برنامه‌های اقتصادی می‌تواند آثار رکود اقتصاد جهانی را تخفیف دهد

اشاره:

توسعه روابط اقتصادی میان ملل جهان به ویژه از دو قرن پیش تاکنون، اگرچه مزایای بسیاری برای بشریت به ارمغان آورده، در همین حال در سده اخیر تهدیدهایی را نیز به دنبال داشته است. یکی از تهدیدهای جدی، سرایت بحران‌های اقتصادی از یک کشور به کشور دیگر و از یک قاره به قاره دیگر می‌باشد. با این وصف جامعه جهانی نمی‌تواند نسبت به روندهای اقتصادی کشورها و بلوک‌های اقتصادی - تجاری بی‌تفاوت بماند، چرا که این تهدید می‌تواند به سهولت سرایت پیدا کند و بر رفاه زندگی تمام مردم آثار منفی خود را نشان دهد.

اقتصاد جهانی از بحران پولی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ تحت فشار قرار داشت و با وجود اقدامات به نسبت یکپارچه جامعه جهانی و مجامع اقتصادی بین‌المللی توانست از گسترش بحران جان بدر برده و روند رو به رشدی را آغاز کند. اما این رشد چندان پایدار نبود و از اواخر سال میلادی گذشته آثار افت رشد اقتصادی در امریکا بروز کرد. با این حال حملات تروریستی به شهرهای امریکا در بیستم شهریور ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) موجی از نگرانی و بی‌اعتمادی را در میان مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران در گوشه و کنار جهان و به ویژه در امریکا ایجاد کرده و بار دیگر اقتصاد جهانی را با روند نزولی رو به رو ساخته است. رکود اقتصاد جهانی نه تنها بر کشورهای صنعتی، بلکه بر جوامع در حال توسعه همانند ایران آثار زیانباری خواهد داشت و نحوه تعامل دولت‌ها با آن می‌تواند میزان خسارت‌ها و دوران رکود را تحت تأثیر قرار دهد.

در این نوشتار، ضمن اشاره به آخرین وضعیت اقتصاد جهانی نگاهی به آثار رکود اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران داریم.

صندوق بین‌المللی پول که بیش از ۱۹۰ کشور جهان در آن عضویت دارند، از مجامعی است که تحولات اقتصاد جهانی را به دقت زیر نظر دارد. این صندوق در جریان بحران پولی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ راهکارهایی را برای کاهش آثار زیانبار بحران پولی و سرایت بحران به دیگر مناطق جهان مطرح ساخت و جامعه بین‌المللی را به کمک برای جلوگیری از پیشروی بحران فراخواند. همکاری کشورهای پیشرفته با این صندوق در اعطای کمک‌های اضطراری توانست دامنه بحران را تا حدودی محدود سازد. با این حال صندوق در

بررسی‌های بمدی خود، پیامدهای توصیه‌های ارایه شده را مورد بازبینی قرار داد و در نهایت آنچه انجام شده بود را در راستای اهداف صندوق ارزیابی نمود. این کانون بین‌المللی ناظر بر روندهای اقتصادی، در سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، طی گزارشی اعلام کرد که انتظار دارد اقتصاد جهان در سال ۲۰۰۱ میلادی ۲/۶ درصد و در سال آینده ۳/۵ درصد رشد داشته باشد. این پیش‌بینی بر مبنای رکود اقتصاد ژاپن در سال ۲۰۰۱ میلادی، رشد اقتصادی کمتر از ۲ درصد اروپا و بهبود اقتصاد امریکا در نیمه اول سال آینده صورت گرفت.

هورست کهلر مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول در پایان مهرماه سال جاری به خبرنگاران گفت: از آنجا که ارقام و اطلاعات اقتصادی بدست آمده، چگونگی زبان‌های وارده بیشتر به اقتصاد جهان متأثر از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر (بیستم شهریور ۱۳۸۰) به ایالات متحده را نشان می‌دهد. لذا صندوق بین‌المللی پول برآوردهای قبلی رشد اقتصاد متزلزل جهان را مورد تجدید نظر (تعديل) قرار خواهد داد.

وی افزود: در حال حاضر انجام پیش‌بینی منطقی با اتکا به اطلاعات و ارقام جدید، کار عجولانه‌ای است. کهلر درباره چشم‌انداز اقتصاد امریکا گفت: صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد، اقتصاد امریکا حداقل در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۲ بهبود یابد و از اقدامات به عمل آمده در این کشور به منظور احیای روند رشد اقتصادی استقبال کرد.

وی گفت: اطمینان داریم که اقدامات به عمل آمده از سوی امریکا یعنی ترکیبی از کاهش نرخ‌های بهره و مالیات‌ها، به علاوه مجموعه مشوق‌های اقتصادی که در کنگره امریکا به بحث و تبادل نظر گذاشته شده، اثرات مثبتی بر اقتصاد این کشور خواهد داشت. اقتصاد امریکا در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۱ میلادی ۰/۳ درصد رشد داشت که از انتظارات بازار بیشتر بود. با این وجود کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان بر نگرانی‌هایی که از بروز احتمالی رکود اقتصادی پس از حملات تروریستی حکایت داشت، دامن زد.

کهلر نسبت به اتخاذ اقدامات سریع جهت بازگرداندن اقتصاد جهان به وضعیت عادی هشدار داد و افزود: انجام اقداماتی که ظرف ۳ تا ۶ ماه، اقتصاد جهانی را از رکود رها کرده و به بهبود آن کمک کند، اما در میان مدت و بلندمدت مشکلات جدیدی را ایجاد کند نیز اشتباه است.

کهلر درباره اقتصاد اروپا گفت: اروپا به ورطه رکود اقتصادی سقوط نخواهد کرد، اما باید انتظار داشت که رشد اقتصاد آن منطقه با شدت بیشتری، تنزل یابد. سطح کنونی تورم برای اقتصاد اروپا، مشکلی محسوب نمی‌شود و نباید بنیان‌های اقتصادی مطلوب این قاره نادیده گرفته شود. رشد اقتصادی قوی در سه ماهه سوم و چهارم سال جاری میلادی را در اروپا شاهد نخواهیم بود و حتی ممکن است در برخی کشورهای اروپایی ضعف جزئی یا فقدان تغییر اوضاع اقتصادی را شاهد باشیم. مدیرعامل صندوق

بین‌المللی پول، کاهش ۰/۵ درصدی نرخ‌های بهره از سوی بانک مرکزی اروپا را یک اقدام شجاعانه دانست و افزود: سیاست‌های تسهیلی پولی اخیر بانک مرکزی اروپا و دیگر بانک‌های مرکزی در کاستن از سرعت روند نزولی رشد اقتصادی جهان مؤثر بوده، لیکن باید کارهای بیشتری در آینده انجام شود.

وی تصریح کرد: مشکل اصلی و وظیفه اروپا می‌بایستی در اجرای سیاست پولی و مالی صحیح نهفته باشد، اما اکنون وظیفه اصلی تصریح در اجرای اصلاحات ساختاری است که اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به تقویت روند رشد اقتصادی، جلب شود.

کهلر درباره اقتصاد ژاپن نیز گفت: به نظر می‌رسد نخست‌وزیر ژاپن با مشکلات اقتصادی کشور خود که مشتمل بر بدهی‌های مشکوک‌الوصول و کلان سیستم بانکی، مقررات‌زدایی و بدهی فزاینده بخش دولتی است، دست و پنجه نرم می‌کند، اما تاکنون اقدام مهمی در جهت برطرف ساختن مشکلات اقتصادی این کشور اتخاذ نشده است.

آنچه مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول از شمای اقتصاد جهانی تصویر کرده، چندان امیدبخش نیست و این امر را نیز روشن می‌کند که کشورهای در حال توسعه در بررسی اوضاع اقتصادی جهان، جایگاهی ندارند، هرچند که آنها از آسیب‌های ناشی از رکود اقتصاد جهانی در امان نمی‌باشند.

با این حال، ذکر این نکته ضروری است که کشورهای در حال توسعه، عرضه‌کننده مواد خام و کالاهای اولیه به بازارهای جهانی هستند و رکود اقتصاد جهانی به هر دلیل بر روند تقاضا برای محصولات صادراتی آنها و در نهایت درآمدهای ارزششان تأثیر مستقیم دارد. یکی از مواد خام اصلی که در تجارت جهانی حجم عظیمی از داد و ستدها را تشکیل می‌دهد، نفت خام است. روزانه بیش از ۷۳ میلیون بشکه نفت خام در جهان مصرف می‌شود که با بهای متوسط ۲۰ دلار در هر بشکه، حجم معاملات سالانه آن به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. کاهش رشد اقتصاد جهانی به طور مستقیم بر تقاضای نفت خام تأثیر می‌گذارد و درآمد کشورهای صادرکننده آن از جمله ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این وصف راهکارهای غلبه بر رکود اقتصاد جهانی به ویژه اقتصاد کشورهای صنعتی، برای کشورهای صادرکننده نفت حایز اهمیت است.

ایران اسلامی با وجود تلاش‌های نه‌چندان ثمربخش برای کاهش اتکا به درآمدهای نفتی در بیش از یک دهه اخیر، هنوز بیش از سه‌چهارم درآمدهای ارزی خود را از صادرات نفت خام کسب می‌کند. بیش از نیمی از درآمدهای دولت در چارچوب بودجه سالانه از نفت تأمین می‌شود و افت بهای نفت خام در بازارهای جهانی برای اقتصاد ایران همانند دیگر کشورهای صادرکننده آن، زیانبار است. با این وصف می‌توان گفت که

در سال جاری با افت ۲۵ درصدی قیمت نفت خام، کاهش درآمدهای ارزی دست کم به میزان ۱۵ درصد نسبت به سال گذشته قابل انتظار است. هرچند که برخی مسؤولان وزارت نفت تصریح کرده‌اند که درآمدهای مورد انتظار در بودجه سال ۱۳۸۰ تحقق خواهد یافت.

وجود ذخایر ارزی قوی و اندوخته‌های حساب ذخیره ارزی دست کم می‌تواند تا تخفیف رشد اقتصاد جهانی در نیمه اول سال آینده میلادی، اقتصاد ایران را از آسیب جدی رهایی بخشد. با این حال از دست رفتن بخشی از درآمدهای قابل انتظار، خسارتی است که نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

تلاش ایران برای همبستگی بیشتر میان اعضای اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) و انجام اقدامات یکپارچه و هماهنگ برای دفاع از قیمت نفت با توجه به بی‌تفاوتی کشورهای تولیدکننده غیر عضو اوپک نسبت به شرایط بازار، حایز اهمیت است. با این حال باید به این نکته توجه داشت که تلاش‌ها و از خودگذشتگی‌های اوپک برای تثبیت بازار نفت، سبب شده است که سهم این سازمان در تولید و تجارت جهانی نفت در سال‌های اخیر همواره سیر نزولی داشته باشد.

از این رو باید اذعان داشت که با افت سهم اوپک در بازار جهانی نفت، تأثیرگذاری آن بر وضعیت بازار نفت نیز روز به روز کمتر خواهد شد، هرچند که در کوتاه‌مدت، قیمت‌های

نفت خام را در بازار تقویت خواهد کرد.

با توجه به منابع جدید نفت خام که در نقاط مختلف جهان از جمله جمهوری‌های شوروی سابق اکتشاف می‌شود و قراردادهایی که برای استخراج نفت با شرکت‌های فراملیتی منعقد می‌شود، بتدریج جایگاه نفت اوپک در بازارهای جهانی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از این رو کشورهای عضو این سازمان می‌بایستی راهبردی درازمدت برای افزایش سهم خود در بازار بیابند و اتکای محض به روش‌های اثرگذار در کوتاه‌مدت را به راهبردهای بلندمدت پیوند دهند.

با تمام این اوصاف، برای اقتصاد روبه رشد ایران که قصد دارد سیر توسعه صنعتی را با سرعت بیشتر پییماید، توجه به همکاری با اوپک، می‌بایست با توجه ویژه به فرایند رشد اقتصاد ملی توأم گردد و بخش‌های غیرنفتی به سرعت توسعه پیدا کنند. دیگر نمی‌توان به پیش‌بینی‌های چنددهه گذشته که اوپک را یکه‌تاز عرصه نفت در قرن بیست و یکم معرفی می‌کرد، چندان خوش‌بین بود.

به عقیده برخی کارشناسان، فرصت‌های دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار را می‌بایست خلق کرد و این امر از طریق برنامه‌ریزی‌های جامع کوتاه، میان و بلندمدت میسر می‌گردد. برنامه‌ریزی‌هایی که رشد بخش‌های اقتصادی صادرات‌گرا را قوت بخشند و آسیب‌های ناشی از عوامل بیرونی را به حداقل برساند.

کارشناسان بر استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا تأکید دارند و معتقدند که دلارهای نفتی نمی‌بایست در صندوق‌های بانک‌های خارجی یا حساب‌های ویژه محبوب بمانند، بلکه می‌بایست از طریق انجام اصلاحات بنیادین در طرح‌های سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا جذب گردند تا توان اقتصاد کشور برای رویارویی با فشارهای ناشی از عوامل بیرونی، تقویت گردد.

متأسفانه فضای سیاسی حاکم بر کشور تا حدود زیادی سبب شده که توسعه اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد، حال آنکه فرصت‌های زیادی برای یافتن جایگاه مناسب در اقتصاد و تجارت جهانی به سرعت از دست می‌روند.

برخی کارشناسان عقیده دارند که ایجاد وفاق ملی برای تشخیص ضرورت توسعه اقتصادی الزامی است. دست کم می‌توان در سه شاخص اصلی اقتصاد کشور که رشد تولید ناخالص داخلی (بیش از ۵ درصد در سال)، تورم (کمتر از ۱۰ درصد) و اشتغال (بالای ۹۰ درصد) است، این وفاق بدست آید و تمامی برنامه‌ریزی‌ها منعطف به این قضیه گردد.

رشد اقتصاد ملی در برنامه سوم در محدوده میانگین ۶ درصد پیش‌بینی شده، حال آنکه در نخستین سال اجرای این برنامه (۱۳۷۹) این امر محقق نشد و با فضای موجود در سطح بین‌المللی و داخلی به نظر نمی‌رسد که در سال جاری نیز چنین امری محقق گردد. انتظار می‌رود که برای جلوگیری از

پیشروی آثار زیانبار رکود نسبی اقتصاد جهانی در سال جاری و آینده میلادی، هم‌اکنون سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اقتصادی، راهکارهایی را برای تشویق رشد اقتصادی کشور اتخاذ نمایند.

آنچه مانع جدی رشد صادرات غیرنفتی کشور در سال‌های اخیر بوده، فشارهای تورمی و افزایش قیمت تمام شده محصولات تولیدی صادراتی کشور است. از این رو تلاش و برنامه‌ریزی برای کاهش فشارهای

تورمی الزامی است. نباید از نظر دور داشت که جهش صادرات غیرنفتی به افزایش فرصت‌های اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی کمک خواهد کرد و از این رو ضرورت دارد تمامی تلاش‌ها در راستای جهش صادرات غیرنفتی شکل گیرد تا بتدریج نقش نفت و پیامدهای زیانبار ناشی از افت قیمت آن در بازارهای جهانی، تقلیل یابد.

کارشناسان عقیده دارند که کاهش نرخ‌های بهره و مالیات‌ها از راهکارهای مناسبی است که روند فعالیت‌های اقتصادی را تسریع می‌بخشد و توان رقابت اقتصاد ملی در عرصه بین‌المللی را قوت می‌بخشد. بنابراین در راستای اصلاحات ساختاری می‌بایست به این دو مقوله توجه جدی داشت.

یکی از عوامل مهم در افزایش فشارهای تورمی در اقتصاد ایران که بر صادرات غیرنفتی تأثیر منفی و گسترده‌ای دارد، افزایش بهای کالاها و خدمات دولتی است که هر ساله اعمال می‌گردد. این امر با هدف تصحیح بهای خدمات و کالاهای یاد شده و

جلوگیری از هرزروی منابع صورت می‌گیرد. اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده که برنامه افزایش قیمت با توفیق زیادی روبه رو نشده، بلکه بر قدرت رقابت اقتصاد کشور اثر منفی داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد، دولت در تجدید نظر در برنامه سوم، برنامه افزایش قیمت کالاها و خدمات را رها سازد و به جای آن به روش‌هایی روی آورد که اتلاف منابع را به درستی از بین می‌برد.

برای مثال می‌توان گفت که مصرف بنزین در خودروهای ساخت داخل تقریباً ۳ برابر خودروهایی است که با فناوری روز دنیا تولید می‌شوند و میزان اتلاف منابعی که از مصرف بالای بنزین در کشور صورت می‌گیرد، بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار در سال است.

از این رو به جای چانه‌زنی برای افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی و نگرانی فزاینده از پیامدهای افت قیمت نفت، آیا بهتر نیست به فناوری روز برای کاهش مصرف بنزین و جلوگیری از اتلاف سالانه ۱۰ میلیارد دلار از ثروت کشور تجهیز شویم و بخشی از این رقم کلان را صرف سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های خودروسازی برای افزایش کارایی انرژی نماییم.

برای کسب سالانه ۱۰ میلیارد دلار درآمد اضافی از صادرات نفت خام، دست کم می‌بایست میزان صادرات را ۳۰ درصد افزایش دهیم که این امر نه تنها با راهبردهای اوپک همخوانی ندارد، بلکه خود سبب افت بیشتر قیمت نفت در بازار جهانی خواهد شد

که در نهایت فروش ثروت منی به بهایی ارزان است.

کارشناسان یا تأثیر آثار منفی رکود اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران، عقیده دارند که ایران اسلامی فرصت‌های ارزشمند بسیاری برای به حداقل رساندن پیامدهای رکود اقتصاد جهانی بر اقتصاد خود در اختیار دارد که متأسفانه به لحاظ فقدان انعطاف‌پذیری لازم در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به سهولت از دست می‌رود. حال آنکه می‌بایست در چارچوب فرصت‌های قابل بهره‌برداری، برنامه‌ریزی‌های منعطف و میان‌مدت طراحی کرد.

کارشناسان با تأکید بر ضرورت غیرقابل انکار جهش صادرات غیرنفتی عقیده دارند، افزایش رشد تولید ناخالص داخلی، اشتغال و مقابله با تورم، از طریق تمرکز بر صادرات غیرنفتی میسر خواهد شد و می‌بایست فرصت‌های سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا با بهره‌گیری از منابع داخلی و خارجی به سرعت مورد استفاده قرار گیرد.

آنها با اشاره به سفر بسیاری از مقام‌های ارشد کشورهای اروپایی به تهران در راستای بررسی ابعاد سیاسی - اقتصادی حمله آمریکا و انگلیس به افغانستان و تقسّس ایران در سرنوشت‌سازی منطقه‌ای، تأکید دارند که ایران اسلامی با اتخاذ یک دیپلماسی فعال مبتنی بر کسب منافع سیاسی و اقتصادی می‌بایست از چالش‌های ایجاد شده به نفع اقتصاد ملی بهره بگیرد. دریافت اعتبارات ارزان قیمت از منابع غربی، جلب حمایت کشورهای اروپایی برای

همکاری وسیع‌تر اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران و ... از فرصت‌هایی است که نباید نادیده گرفته شود. در همین حال ایجاد اعتماد در فعالان اقتصادی داخلی و حمایت واقعی از آنها برای مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی در طرح‌های صادرات‌گرا مبتنی بر فناوری روز، الزامی است که می‌بایست در چارچوب قوانین مؤثر و شفاف شکل بگیرد.

با این وصف به نظر می‌رسد که فعالان سیاسی - اقتصادی کشور می‌بایست در راستای منافع منی، به وحدت نظر در خصوص توسعه اقتصادی دست یابند و تشکلهای سیاسی و اقتصادی هر چه بیشتر در کاهش اختلاف نظرها بکوشند و از فرصتی که موقعیت سوق‌الجیشی ایران برای کشور فراهم آورده، به خوبی بهره‌برداری نمایند.

از دست دادن این فرصت‌ها به هر دلیل و بهانه‌ای، قابل جبران نخواهد بود و پیامدی جز پذیرش خسارات از رکود اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران نخواهد داشت.

در شرایط کنونی، تقویت همبستگی نسوی سه‌گانه (مجریه، متنده، فضاویه) برای ایجاد فضای امن سیاسی - اقتصادی، برنامه‌ریزی منسجم برای بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا، ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ... می‌تواند راه را برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار و ارتقای رفاه عمومی باز کند.

مدیریت ارشد کشور به ویژه در قوه مجریه می‌بایست از یک سو به فضای وحدت و همبستگی کمک کند و از سوی دیگر از منافع کوتاه‌مدت برای اداره کشور برای دستیابی به فضای پویای توسعه اقتصادی چشم‌پوشد. کاهش فشارهای تورمی با حذف افزایش بهای کالاها و خدمات دولتی در بودجه سال ۱۳۸۱، کاهش نرخ‌های سود اعتبارات بانکی برای تقویت سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، تقلیل فشارهای مالیاتی (یک کاسه و کم کردن بار مالیاتی بخش تولید)، توجه به مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق در اقتصاد ملی و طرح‌های سرمایه‌گذاری و ... می‌تواند رشد اقتصاد کشور را قوت بخشد و در ایجاد فرصت‌های اشتغال برای جوانان مستعد کشور مؤثر باشد.

در همین حال بازنگری در اعطای یارانه‌ها، حذف انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، تسهیل فرآیند صادرات غیرنفتی و ... می‌تواند در تقویت روند حرکت اقتصادی آینده مؤثر باشد و آثار زیانبار رکود اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران را تا حد زیادی از بین ببرد. فراموش نکنیم که افت قیمت نفت با توجه به نقش آن در اقتصاد کشور، در صورت تداوم اتکا به درآمدهای نفتی، بخشی از آثار منفی رکود اقتصاد جهانی را نیز به ایران سرایت خواهد داد.